

Botschaft zum Welttheatertag 2003

Immer wieder stellen wir die Frage, ob das Theater noch zeitgemäß sei. Zweitausend Jahre reflektierte das Theater die Welt, erörterte es die Lage der Menschen. Die Tragödie zeigte das Leben als Verhängnis, die Komödie oft genug auch. Der Mensch war fehlerhaft, er irrte sich fatal, haderte mit seinen Verhältnissen, war machtgierig und schwach, tückisch und gutgläubig, unwissend fröhlich und krank an Gott. Nun höre ich sagen, unser Leben sei mit den herkömmlichen Theatermitteln, mit herkömmlicher Dramaturgie nicht mehr faßbar. Man könne also infolgedessen keine Geschichten mehr erzählen. Stattdessen Texte verschiedenener Art, keine Dialoge, sondern Statements. Kein Drama. An unserem Lebenshorizont taucht schon eine ganz andere Menschenart auf: Wesen, die nach Wunsch und Absicht geklont und gentechnisch manipuliert sind. Dieser neue, fehlerlose Mensch, wenn es ihn denn gäbe, bräuchte das Theater, wie wir es kennen, nicht mehr. Die Konflikte, von denen es handelt, wären ihm unverständlich. Aber wir kennen die Zukunft nicht. Ich denke, wir sollten mit aller Kraft und mit allem Talent, das uns gegeben ist – von wem, wissen wir nicht – uns bemühen, unsere böse, schöne, fehlerhafte Gegenwart, unsere unvernünftigen Träume und unsere vergebliche Anstrengung gegen die unbekannte Zukunft verteidigen. Unsere Mittel sind reich: Theater ist eine unreine Kunst, darin liegt seine vitale Kraft. Ohne Hemmung benutzt es alles, was ihm im Wege steht. Es wird seinen Prinzipien ständig untreu. Selbstverständlich schießt es nach den Moden der Zeit, holt sich Bilder aus anderen Medien, redet manchmal langsam, manchmal schnell, stammelt, verstummt, ist verstiegen und banal, vermeidet, zerstört Geschichten und erzählt trotzdem welche. Ich bin zuversichtlich, daß sich das Theater immer wieder mit Leben füllt, solange Menschen das Bedürfnis haben, einander zu zeigen und vorzuführen, wie sie sind und wie sie nicht sind und wie sie sein sollten. Ja, es soll leben! Das Theater ist eine der großen Erfindungen der Menschheit, groß wie die Erfindung des Rades, wie die Zähmung des Feuers.

Tankred Dorst

پیام روز جهانی تآتر ۲۰۰۳

توسط تانکرد دُورست

نمایشنامه‌نویس، داستان‌پرداز، فیلم‌ساز و مترجم آلمانی

هر بار این پرسش را طرح می‌کنیم که آیا هنوز هم تآتر با زمانه هماهنگ است. دوهزار سال است که تآتر بازتابنده‌ی جهان پیرامون ما بوده و وضعیت انسان‌ها را به بحث کشیده است؛ «تراژدی» زندگی را به مثابه سرنوشت فاجعه‌بار تصویر می‌کند و «کمدی» نیز چه بسیار به همین سان.

انسان از آغاز ناکامل بود، اشتباهات مهلک مرتکب می‌شد، به وضعیت خویش پرخاش می‌کرد. قدرت‌طلب و ضعیف بود، بداندیش و خوش‌باور بود. از نادانی شاد و بیمارگونه خداپرست. حالا شنیده می‌شود که زندگی‌مان با بیان تآتری مرسوم، با درام مرسوم دیگر درک کردنی نیست. با این حساب دیگر نباید بتوان داستانی تعریف کرد. می‌ماند مشت‌متن. دیگر گفتگویی در کار نیست، بلکه تنها اظهارنظری، آنهم بی‌آنکه «درام» باشد.

در جهان ما انسانی کاملاً دیگرگونه در شرف پیدایی است؛ موجوداتی که براساس میل و منظور مشخصی همانندسازی و به کمک مهندسی ژنتیک پرداخته شده‌اند. این انسان نوین و بی‌کم‌وکاست، اگر اصلاً حیاتی بیاید، به تآتر آنگونه که ما می‌شناسیمش، نیازی نخواهد داشت. از کشمکش‌هایی که دستمایه‌ی تآترند، درکی نخواهد داشت.

اما ما از آینده خبر نداریم. من فکر می‌کنم، بایستی که با تمام نیرو و استعدادی که به ما داده شده – چه کسی داده، نمی‌دانیم – بکوشیم، از زمانه‌ی پلید، زیبا و پرنقص خودمان، از رویاهای نامعقول و تلاش‌های بیهوده‌مان در مقابله با آینده‌ی نامعلوم دفاع کنیم.

امکانات ما فراوانند: تآتر هنری است ناخالص، و نیروی زندگی‌اش از همینجا سرچشمه می‌گیرد. بی‌پروا از هر امکانی که بر سر راهش باشد، بهره می‌گیرد و بر بنیان‌های خود نیز پایبند نمی‌ماند. پر واضح است که در این کار گوشه‌چشمی هم به مُد زمانه دارد و تصاویری را از دیگر رسانه‌ها برمی‌گیرد. گاه شمرده و گاهی سریع سخن می‌گوید. به لکنت می‌افتد، گاهی گنگ می‌شود و گاهی هم فصیح. و پیش پا افتاده. از داستان‌ها پرهیز می‌کند، آنها را از هم می‌پاشد و اما باز خود داستانی را بازگو می‌کند.

من اطمینان دارم تا زمانی که انسان‌ها نیازمند باشند که همدیگر را ببینند و چگونه بودن، نبودن و شدن خویش را به یکدیگر نشان دهند، تآتر همواره سرشار از زندگی خواهد بود. آری تآتر بایستی زنده باشد! تآتر یکی از بزرگترین اختراعات بشر است، بزرگ به‌سان کشف چرخ، به‌سان تسلط بر آتش.